

انعطاف پذیری محیط های یادگیری همسو با سیستم آموزشی نوین در جهت آموزش خود محور کودک

۱- ندا حری فراهانی*، ۲- وحدانه فولادی^۲

- ۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد مهندسی معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، اراک، ایران
۲- استادیار، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

چکیده

آنچه در سال های اخیر اساس آموزش را تحت تاثیر قرار داده است، تلاش برای تغییر در سیستم آموزش سنتی، رهایی از چارچوب های خشک و بسته یادگیری و ایجاد دگرگونی در محیط های یادگیری برای سازگاری این محیط ها با توجه به نیاز فراگیران بوده است. زیرا سیستم آموزشی نوین با تاکید بر زمینه های رشد کودکان و یادگیری فعال به واسطه آزمایش و عمل ایجاد شده است و معتقد است که کودکان نمی توانند اطلاعات را به طور انفعالی جذب کنند. بنابراین امروزه محیط های یادگیری برای تحقق اهداف یادگیری در سیستم آموزشی نوین باید از محرک های لازم برای فعالیت های گروهی و پویایی کودکان برخوردار و قابل تغییر باشند، که برای سازماندهی چنین محیطی که این روش یادگیری در آن امکان پذیر باشد، باید محیط های یادگیری را انعطاف پذیر نمود تا زمینه برای تجربه پذیری کودک، آموزش لذت بخش و هدایت کودکان به سمت یادگیری خود محور فراهم گردد. هدف از انجام این پژوهش بررسی الگوهای مناسب انعطاف پذیر کردن محیط یادگیری در راستای سیستم آموزشی نوین و همچنین تغییر در الگوی آموزش از حالت یکسان به صورت فردی و گروهی برای دستیابی به محدوده های یادگیری مطلوب برای پاسخگویی به نیازهای نسل جدید است.

واژگان کلیدی: انعطاف پذیری، محیط یادگیری، یادگیری کودکان، سیستم آموزشی نوین

نویسنده مسئول مکاتبات آدرس پست الکترونیک: (neda.farahani.fa@gmail.com)

این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول با موضوع "خانه طبیعت کودک" می باشد که در شهریور ۱۳۹۵ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اراک دفاع شده است.

۱- مقدمه

محیط های یادگیری به عنوان یکی از حوزه های معماری و یک نهاد اجتماعی که به افراد بیشماری تعلق دارد، نقش انکار ناپذیری در توسعه جامعه به عهده دارد. بنابراین در سال های اخیر تلاش بسیاری از پژوهشگران در جهت تغییر محیط یادگیری و سیستم آموزشی بوده است. چراکه امروز شبیه به آنچه در آینده اتفاق می افتد نیست و سیستم آموزشی سنتی نمی تواند جوابگوی نیازهای نسل جدید باشد. در این راستا با توجه به تغییرات و پیشرفت در زمینه علوم و ارتباطات، در دهه های ۶۰ تا ۷۰ قرن بیستم واکنش های شدیدی علیه نظام سنتی در سیستم آموزشی صورت گرفت که زمینه را برای ایجاد سیستم آموزشی نوین، جهت رهایی از روش های یادگیری سنتی ناشی از فلسفه حفظ و بازگو کردن آموزه های تئوری و معلم محور بود فراهم کرد. در ادامه این واکنش نیاز برای تغییر محیط های یادگیری احساس شد. زیرا در سیستم آموزشی نوین توجه به خواسته ها، نیازهای آموزشی و پرورشی کودکان جزء پارامترهای اصلی بوده و آموزش نوین بر این اعتقاد است که محیط های یادگیری سنتی فقط برای آموزش سنتی بنشین و یادگیر در کلاس موثر است.

این موضوع که کیفیت محیط های یادگیری بر میزان یافته های دانش آموزان موثر است و مدرسه به عنوان ابزاری برای یادگیری مهم است چندین دهه مطالعات بسیاری را در حوزه روانشناسی محیط در فضاهای آموزشی به خود اختصاص داده است (Bingler2003:6). زیرا محیط فیزیکی رفتار را دگرگون نمی کند اما می تواند در فرآیند یادگیری موثر باشد.

از این رو بر اساس سیستم آموزشی نوین امروزه محیط های یادگیری باید از محرک های لازم جهت فعالیت، مشارکت در کارهای گروهی، رشد روحیه اجتماعی در کودکان برخوردار باشد. زیرا یکی از اساسی-ترین نیازهای سیستم آموزشی نوین، تاکید بر آموزش خودمحور کودک بواسطه تجربه پذیری در محیط یادگیری برای آموزش لذت بخش تر و ایجاد زمینه برای «تعاملات پی در پی و مداوم انسان ها با یکدیگر و با منابع طبیعی است» (Grenno1998:9).

حال با توجه به نظریه ها در زمینه سیستم آموزش و پرورش کودکان آنچه بیش از هر چیز حائز اهمیت است، رابطه تنگاتنگ بین روش های آموزشی و کیفیت محیط های یادگیری به عنوان یکی از فاکتورهای مهم و تعیین کننده در روند یادگیری است، که انعطاف پذیری به عنوان یک عامل ضروری جهت تطبیق با با مولفه آموزش خود محور آورده شده است.

هدف از تبیین این پژوهش انطباق بین الگوهای طراحی محیط های یادگیری حول محور شخصیت کودکان با برانگیختن حس کنجکاوی برای کشف، تجربه و آزاد گذاشتن آنها در یادگیری و تعلیم خود است. مرور سابقه موضوع با بررسی قابلیت های محیط انعطاف پذیر در جهت کمرنگ کردن حضور معلم در محیط های یادگیری، تقویت قوه خلاقیت کودکان و افزایش میزان یافته های آنها با پویا کردن فضاهای آموزشی برای دریافت و خلق موضوعات توسط کودک، تقلیل فعالیت های ساکن، ارتباط بهتر کودک با محیط و ایجاد حس تعلق کودک است. این تحقیق کاربردی بوده و روش تحقیق به صورت کیفی میباشد، گردآوری اطلاعات به صورت اسنادی و مرور متون انجام گرفته و از روش استدلال منطقی برای تحلیل داده ها و ارائه نتایج استفاده شده است.

۲- انعطاف پذیری

انعطاف پذیری در لغت به معنای شایستگی هماهنگی با هر موضوع و هر محیط (معین ۱۳۷۱) و به مفهوم سادگی و تغییر پذیری به منظور سازگاری و مناسب بودن برای محیط و تغییرات آن در موقعیت های متفاوت می باشد (کرمی ۱۳۸۹: ۱۱۰). طبق تعاریف جدید عبارت است از دسترسی به راهبردهای غلبه ای گوناگون برای فائق آمدن بر یک عامل روانی فشارزا و تمایل به بررسی همه آنها (علاقبندراد ۱۳۸۲). انعطاف پذیری به عنوان یک فرآیند پویا، که زمینه را برای تجربه پذیری و پرورش مهارت ها برای کودکان فراهم می کند تعریف شده است و بسیاری از روانشناسان بر این باورند که افراد انعطاف پذیر، افراد رشد یافته تری هستند چراکه زندگی آنها از لحاظ تجربه غنی است و در مورد تغییرات اجباری واکنش های مناسب تری دارند (فرویدیان ۱۳۸۳). باتوجه به این تعاریف باید شرایط را طوری برای کودکان فراهم کنیم که تغییر را به عنوان اصلی در زندگی بپذیرند. بنابراین مدارس نیز می بایست بیشترین قابلیت را برای انعطاف داشته باشند تا بیشترین تطبیق را از خواسته ها و نیازهای کودکانمان داشته باشند (کامل نیا -۱۳۸۸: ۶۸).

۳- تاثیر عوامل محیطی بر میزان آموزش و پرورش کودکان در محیط های یادگیری

از آنجا که امر آموزش و یادگیری در دنیا با چنین تغییرات سریع و در دنیایی که دانش به عنوان ابزاری قوی در جهت رشد و توسعه و حتی بقاء اجتماع نیز پیش می رود (کامل نیا ۱۳۸۸: ۷۱) اینطور به نظر می- رسد که محیط های یادگیری کودک در جهت تداوم فرآیند یادگیری و پرورش مهارت کودکان نیاز حیاتی به تغییر و تطبیق با نیازهای آنها دارد. زیرا با توجه به مواردی که ذکر شد آنچه غیر قابل اجتناب و ضروری به نظر می رسد، این است که محیط های یادگیری به عنوان یک نهاد اجتماعی که در معرض تاثیرات شدید جریانات تغییر در جوامع است باید به گونه ای باشد تا کودکان را در بالاترین سطح فراگیری و تجربه قرار دهند.

در ادامه با توجه به انتقادات شدید به سیستم آموزشی سنتی و تغییر در تنها مدل محیط های یادگیری که آموزش در کلاس درس و به صورت خطی اتفاق می افتد، برای چند دهه تبدیل به دغدغه های پژوهشگران و طراحان شده است. زیرا با توجه به مطالعات انجام شده اهمیت محیط های یادگیری بر میزان و کیفیت یادگیری کودکان و زمینه های رشد و یادگیری آنها مشخص شد. آنچه در طراحی محیط های یادگیری قابل توجه است، ایجاد محیط های یادگیری موثر که در آن فضاهای یادگیری به گونه ای باشند که زمینه را برای رشد ذهنی- فیزیکی- عاطفی و اجتماعی کودکان فراهم کند آنها را به خودآموزی تشویق کند و با توجه به تغییرات از نظم پذیری خاصی برخوردار باشد. زیرا سیستم آموزشی نوین تاکید فراوانی بر جنبه های پرورشی کودکان نیز دارد و موافق است که زمینه باید برای تجربه پذیری کودک فراهم باشد تا آنها خودشان اطلاعات را تجزیه و تحلیل نمایند و سامان دهند تا اینکه فقط دریافت و ذخیره کنند، آن زمان یادگیری اتفاق افتاده است و کودکان نسبت به مهارت های خود آگاهی بیشتر کسب کرده و توانایی های خود را بیشتر می شناسند.

۴- بررسی رابطه کودک با محیط

بارکر^۳ روانشناس اکولوژیک عقیده دارد بین ابعاد فیزیکی- معماری و رفتاری « قرارگاه های فیزیکی- رفتاری» رابطه خاصی وجود دارد که آن را با مفهوم همساخت بیان می کند (مرتضوی ۱۳۷۶:۲۰). بنابر تعریف ابراز شده در تمام انسان ها تمایل به سازش و برقراری ارتباط با محیط وجود دارد، به این ترتیب کودکان نیز به محض قرارگرفتن در محیط تلاش می کنند تا خود را با آن منطبق سازند و با تجربیات جدید سازگار نمایند. در حقیقت تجربه هر فرد در زندگی و مهارت هایی که کسب می نماید مربوط به شرایط محیطی و محصول متقابل میان آن فرد و محیطی است که در آن زندگی می کند (مردمی ۱۳۸۹:۱۱۰). فعالیت به عنوان عامل اصلی رشد و یادگیری کودک فرآیندی است که در ارتباط با فضا و محیط کودک، رشد همه جانبه او را موجب می گردد و محیط با ایجاد فرصت، تحرک و تشویق کودک در رفتار او تاثیر می گذارد (شریعتمداری ۱۳۸۵:۸۰).

۵- محیط یادگیری و پرورش خلاقیت کودک

خلاقیت فرآیندی است که بواسطه آن قوه تصور در جهان شکل می گیرد. خلاقیت به عنوان نوعی فرآیند، به واقع یکی از ویژگی های عاملگیر و فرجامین است که شکل دهنده و نهایت چیزها و واقعیت است. ویژگی های شخصی و محیطی جزء عوامل تاثیرگذار در جهت پرورش خلاقیت می باشد. (آنتونی ۱۳۸۹:۲۷). انگیزه برای کشف و خلق درون هر کودکی وجود دارد که نیازمند شرایطی است که امکان ظهور و پرورش آن وجود داشته باشد و محیط یادگیری مناسب، باید آزادی و امنیت لازم را برای جستجو و کشف در اختیار کودکان قرارداده و به ارتقا خلاقیت آنها منجر شود. زیرا دنیا در نظر کودکان قابل انعطاف و مطابق اراده آنها قابل تغییر است. کودک با قوه تخیل قوی خود، حتی می تواند بر محسوسات غلبه کرده و در ذهن خود دنیا را به هر شکل که بخواهد در بیاورد (فیشر ۱۳۸۶:۷۳). از این رو در سیستم آموزشی نوین که تاکید بر تجربه گرایی کودک دارد، ما به اشتیاق کودک برای کاوش و تقویت گنجکاوی او نیازمند هستیم و باید بستری وجود داشته باشد که وجود کودک را از یک خود محافظه کار به یک خود تجربه گرا تبدیل نماید (فیشر ۱۳۸۶:۷۹). زیرا ارزش یک ذهن خلاق این است که کودک در موقعیتی قرار بگیرد و خود انتخاب کند، به همین جهت محیط های یادگیری برای آموزش و پرورش یک کودک فعال و خلاق باید پویا و انعطاف پذیر بوده و از محرک های لازم برخوردار باشد.

³ Roger Barker

۶- محیط انعطاف پذیر و یادگیری

یادگیری بخش مرکزی از زندگی هر فرد است که حتی زمانی که به آن فکر نمی کنیم اتفاق می افتد (کامل نیا ۱۳۸۸:۴). مهمترین مکاتب روانشناسی یادگیری، مکتب^۴ «رفتارگرایی» و دیگری مکتب «شناخت گرایی»^۵ است، که دیدگاه رفتار گرایی، بیشتر بر اساس اندیشه های تجربه گرایی^۶ و دیدگاه شناخت گرایی، بیشتر بر اندیشه های خردگرایی^۸ شکل گرفته است. تئوری ساختارگرایی از زمره اندیشه های شناختی است که عمدتاً در ارتباط با تئوری رشد کودک پیاز به شمار می آید. طبق اندیشه های برونر^۷ ساختارگرایی به یادگیری به صورت یک فرآیند پویا نگاه می کند"

به طور خلاصه در تئوری ساختارگرایی موضوعاتی مورد توجه است مانند:

- تاکید بیشتر بر یاد دادن نه درس دادن
- تشویق به استقلال و ابتکار فراگیران
- نگاه کردن به یادگیری به عنوان یک فرآیند
- توجه به اینکه کودکان چطور یاد می گیرند
- تشویق کودکان به برقراری ارتباط با دیگران و معلم خود
- تاکید بر زمینه ایی که یادگیری در آن اتفاق می افتد (کامل نیا ۱۳۸۸:۵).

در مسیر توضیحات مکاتب روانشناسی یادگیری و امکانات آنها در ارتباط میان جوامع و سیستم های آموزشی باید تغییر کند. زیرا اگر محیط های آموزشی با توجه به تغییرات اساسی که در نظام آموزشی رخ داده تغییر نکند نمی تواند نیازهای استفاده کنندگان از محیط را تامین کند. نظر به اینکه یکی از اهداف بلند مدت تعلیم و تربیت، دادن امکان رشد، شکوفایی استعدادها و مسئولیت به کودکان با ضریب هوشی های متفاوت است، فقط فضاهای باز و انعطاف پذیر با نظامی پویا می تواند امکانات آموزشی لازم را در اختیار تمام یادگیرندگان قرار دهد و با دادن مسئولیت، آزادی به کودکان کوشش می شود که کودکان اعتماد بنفس و جسارت لازم را برای نوآوری و خلاقیت که از مهمترین شرایط توسعه نامیده می شود کسب نمایند (مرتضوی ۱۳۷۶:۱۳). یادگیری در اینگونه محیط ها بصورت یک نظام پویا است و می توان با تقسیم بندی فضاها متناسب با اهداف، محیط ها را به یک فعالیت خاص اختصاص نداد و به صورت چند منظوره از محیط های یادگیری استفاده کرد (1999 Ehrenkrontz,Eckstut)

۴ در روانشناسی علاوه بر مکاتب فوق مکاتب دیگری وجود دارد اما چون به موضوع یادگیری به طور اشاره ایی برخورد کرده اند به همان دو مکتب فوق بسنده می کنیم. نک به: روانشناسی پرورشی دکتر صیف ص ۲۲

⁵ Behaviorism

⁶ Cognitivism

⁷ Experimentalism

⁸ Rationalism

۷- فضاهای چند منظوره^۹

فضاهای چند منظوره اگر از مهمترین شاخصه های کلاس درس نباشد، قطعاً جزء مهمترین و اولیه ترین نیازهاست. نگاه به فضاهای چند منظوره از دهه ۵۰ شروع و در زمان ما به عنوان یکی از شاخصه های مدارس درآمده است. هزینه ساخت و تاکید بر قابلیت انعطاف و تمایل به مدارس با محدودیت فضایی کمتر، گرایش هایی به سمت فضاهای چند منظوره پدید آورده است. از عوامل مهم دیگر در تمایل به این گونه فضاها آموزش شخصی تر در محیط یادگیری است (Butin 2000).

۸- روش های پیشنهادی برای انعطاف پذیری محیط یادگیری

۸-۱ تجهیزات تغییر پذیر، اجزای انعطاف پذیر، محیط انعطاف پذیر

اختصاص دادن فضاهای بزرگ که با استفاده از اجزای انعطاف پذیر، امکان تغییر فضا را با توجه به نیاز استفاده کنندگان برای انجام فعالیت های مختلف امکان پذیر می کند و در مواقع ضروری می توانیم محیط را برای گروه های کوچک یا یک فعالیت به صورت مشترک در یک گروه بزرگ در اختیار کودکان قرار دهیم که در این حالت چون امکان تغییر مبلمان برای کودکان مهیا است به همین جهت حس تعلق کودکان به محیط افزایش پیدا کرده و موجب ایجاد استقلال و پیشرفت کودکان در یادگیری می شود.

۸-۲ تخصیص فضاهای بزرگ برای کارکردهای چندگانه

استفاده از فضاهای بزرگ برای یک یا چندین فعالیت یعنی به صورت یک کلاس چند منظوره که البته محیط برای استفاده کنندگان آن قابل کنترل باشد. هرچند که این یک روش مرسوم برای انعطاف پذیری است، ولی مسئله این است که این محیط می تواند پاسخگوی نیازهای حال حاضر باشد و با توجه به رشد سیستم آموزشی در آینده برای کاربران آن کار آمد نباشد.

۸-۳ یکپارچگی محیط یادگیری

در این راهکار تنها محیط های مختص یادگیری، یکسری کلاس های در ابعاد یکسان نیستند بلکه به کل فضای یک مرکز یادگیری می توان به عنوان بستری برای یادگیری نگریست (مردمی ۱۳۸۹:۱۱۳).

⁹ Multipurpose space

۹- الگوهای انعطاف پذیر کردن محیط های یادگیری

ایجاد فضاهای چند منظوره: استفاده از یک فضا برای چندین عملکرد و فعالیت قابل تغییر باشد و پاسخگو به نیازهای کودکان.

نفوذپذیری در فضا: مسیرهای حرکتی باید برای کودکان قابل رویت، به دور از احساس گم گشتگی و برای مربیان قابل کنترل باشد. مسیرهای حرکت باید وسیع باشند تا باعث سهولت در حرکت و فراهم کننده آزادی برای آنها باشد.

برقراری ارتباط محیط داخل و خارج: با استفاده از پنجره های وسیع ارتباط با طبیعت، با ایجاد فضاهای نیمه باز و یا استفاده از طبیعت به عنوان محیط یادگیری.

تخصیص محدوده های یادگیری به فعالیت های جدید: استفاده مجدد از محدوده های یادگیری برای فعالیت های جدید در آینده بدون تغییر در کالبد فیزیکی محیط.

ارتباط با فضاهای عمومی: ایجاد ارتباط بین محیط های یادگیری و اعضای جامعه که باعث تقویت حس وحدت و احساس اجتماعی می شود این محیط های اغلب دعوت کننده هستند.

شفافیت: امکان رویت فعالیت ها و حضور در تمام محدوده های یادگیری بواسطه ایجاد فضاهای شیشه ای و یا مجرد کردن راهروها و کلاس ها از اجزای جدا کننده.

فضاهای فعال و فضاهای غیر فعال: کودکان در محیط های یادگیری علاوه بر فضاهای فعال برای یادگیری، فعالیت و مشارکت در کارهای گروهی به فضاهای غیر فعال برای استراحت، فعالیت های شخصی و فعالیت های ساکن نیاز دارد. زیرا به صورت کلی طراحی محیط های یادگیری بر اساس نظام سنتی آموزش و تنها فرم بدیع خطی، باعث از بین رفتن خلاقیت کودکان می شود. چراکه یکی از مشخصه های خلاقیت غیر مقید بودن آن است بنابراین محیط های یادگیری کودک باید خارج از چارچوب های ثابت و غیر قابل تغییر نظام آموزش سنتی باشد و زمینه را برای ارتقا خلاقیت، پرورش مهارت و کشف مداوم بر تداوم تمرکز کودک در محیط فراهم آورد.

۱۰- آموزش و پرورش نوین

نگره های آموزش و پرورش نوین برای رهایی از نظام بسته آموزشی شکل گرفت و در برابر نظام آموزشی اقتدارگرا و معلم محور، در جستجوی راهی برای آزادسازی دانش آموزان از چنگال مصرف بی پایان وابستگی بود (کامل نیا ۱۳۸۸:۲). در یک تعریف عام آموزش و پرورش نوین چیزی است که یکی از اصولی ترین موضوعات آن، روشن ساختن نقش تربیت از راه شناخت علمی کودک است و حتی مایل است «شاید در عالم خیال» تربیت را بر اساس روانشناسی کودک بنیان نهد. با توجه به اهداف شکل گیری سیستم آموزشی نوین در جدول شماره ۱ به تفاوت های چندی بین دو سیستم آموزشی برای دستیابی به یک نظام آموزشی موثر برای مدارس فردا اشاره شده است:

جدول ۱- تفاوت های نظام آموزش سنتی و آموزش نوین

آموزش سنتی	آموزش نوین
در آموزش سنتی یادگیری در کلاس و به صورت خطی و معلم محور	یادگیری به صورت خود محور و انفرادی یا در گروه های کوچک اتفاق می افتد
تاکید بیشتر به یادگیری تئوری، حفظ و ذخیره کردن اطلاعات	تاکید بیشتر به یاد گرفتن نه درس دادن
در نظام آموزش سنتی بیشتر تمرکز بر نظریه ها است	در سیستم آموزشی نوین تمرکز بیشتر به کشف اطلاعات، آزمایش و عمل است
در سیستم سنتی بیشتر زمینه یادگیری فراهم است	در سیستم آموزشی نوین به جنبه های پرورشی هم به اندازه آموزش کودک توجه شده
در سیستم سنتی کودکان بیشتر با معلم و مدیران مدرسه در ارتباط هستند و در فضاهای بسته کالبدی برای یادگیری قرار دارند	در سیستم آموزشی نوین کودکان به غیر از مربیان و مدیران می توانند با جامعه در ارتباط باشند. و محیط های یادگیری آنها می تواند تغییر کند و با توجه به نیاز به فضاهای باز طبیعی هم تداوم داشته باشد.

۱۱- راهکارهای یک محیط انعطاف پذیر همسو با سیستم آموزشی نوین

۱- کاهش میزان کنترل تک بعدی از سوی معلم و افزایش زمینه برای آزادی و فعالیت.

۲- درگیر کردن یادگیرنده ها با پروژه های دیگر گروه ها به طور جنبی بدون ترک محل کار تعیین شده (Lippman 2000).

۳- ایجاد حوزه های مختلف برای گروه های یادگیری با تعداد متفاوت.

۴- ایجاد فرصت برای احساس فضاهای گروهی و فردی بواسطه محدوده های خصوصی و نیمه خصوصی یا باز با استفاده از اجزای انعطاف پذیر.

۵- تغییر کلاس از تک بعدی به چند بعدی برای اینکه کودکان تسلط بیشتری بر محیط یادگیری داشته باشند.

۶- یگپارچه کردن محیط یادگیری با از بین بردن مرز بین فضاهای درون و بیرون بواسطه نورگیر های وسیع در دیوار، سقف یا ایجاد حیاط مرکزی.

۱۲- نتیجه گیری

با توجه به بررسی های انجام شده و برداشت های حاصل از این نوشتار می توان چنین استنتاج کرد که محیط های یادگیری امروزه در صدد برآوردن نیازهای آموزشی و پرورشی کودکان با توجه به تجربه پذیری و تغییرات در دنیای کودکانه آنها است. هدف سیستم آموزشی نوین به عنوان یک مکتب ساختارگرا، تغییر در روش های یادگیری و یاددهی، تاکید بیشتر بر زمینه های رشد کودک، از بین بردن فعالیت های ساکن، ایجاد فرصت برای ساخت محدوده های یادگیری توسط کودک و به دور از کنترل مستقیم معلم است. تا با قراردادن کودک در یک محیط کاملا آزاد و دموکرات او را به کاوش، تجربه، یادگیری، پرورش خلاقیت به طور مستقل تشویق کند و با برداشتن دیوارهای مدرسه ارتباط بین جامعه و محیط یادگیری را برقرار کند تا بستری فراهم کند که همه کودکان یک زندگی اجتماعی داشته و آن را تجربه کنند. سیستم آموزشی نوین در تلاش است تا کودکان بتوانند آنچه را که به صورت تئوری فرا می گیرنده در یک محیط واقعی آزمایش کرده و به عینیت برسند. بنابراین محیط های یادگیری برای دادن جهان بینی به کودک باید نیازهای روانی و فیزیکی آنها را تامین کنند تا کودکان بتوانند بر یادگیری خود تمرکز داشته باشند.

Archive of SID

مراجع و منابع

- سی، آنتونی. نیادس، آنتو، ترجمه محمدرضا آی، (۱۳۹۳)، بوطیقای معماری «آفرینش معماری»، تهران، انتشارات سروش
- شریعتمداری، علی، (۱۳۶۶)، روانشناسی تربیتی، تهران، انتشارات امیرکبیر
- فیشر، رابرت، ترجمه دکتر مسعود صفایی مقدم (۱۳۸۶)، آموزش تفکر به کودکان، اهواز، نشر رسش
- کامل نیا، حامد، (۱۳۸۸)، دستور زبان طراحی محیط های یادگیری، تهران، انتشارات سبحان نور
- گاستون، میلاره. ژان، یال، ترجمه محمدرضا شجاع رضوی، (۱۳۷۱)، تاریخ جهانی آموزش و پرورش، جلد(۱) و (۲)، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی
- معین، محمد، (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی، جلد اول، تهران، انتشارات امیر کبیر
- مرتضوی، شهناز، (۱۳۷۶)، فضاهای آموزشی از دیدگاه روانشناسی محیط، تهران، سازمان نوسازی مدارس کشور
- علاقبند راد، جواد، (۱۳۸۲)، مواجهه با خشونت در نوجوانان «عوامل شناختی-رفتاری و انعطاف پذیری»، مجله تازه های علوم شناختی، شماره ۲.
- فرهودیان، علی، (۱۳۸۴)، انعطاف پذیری- سازگاری و نشانه های روانپزشکی، مجله تازه های علوم شناختی، شماره ۱
- مردمی، کریم، دلشاد، مهسا، (۱۳۸۹)، محیط های یادگیری انعطاف پذیر جهان کودک تجربه پذیر-سیستم آموزشی تغییر پذیر، نشریه علمی و پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۱.
- Bingler,S. Quinn,L. Sullivan,K, (2003), School as Center of Community, Washington, D.C, US, Department of Education.
- Butin, Dan, (2000), Multipurpose Space, Tjced, University of Virginia.
- Bruner, J, (1960), The Process of Education: what is constructivism.
- Ehrenkrantz,E. Eckstut,E and Kuhn Architect, (1999), Planning For Flexibility, Not Obsolescence.
- Greeno,J.G, (1998), The Situativity of Knowing, Learning and Research, American Psychological Association Inc, Vol.53, No 1.

<http://www.designshare.com/Reserch/EEK/Ehvenkrantz4.htm>

<http://hagar.up.ac.za/catts/learner/lindavr/lindapg1.htm>



واحد دماوند

معماری ماندگار

اولین همایش ملی

DAMAVANDIAU.AC.IR

فهرست جداول

جدول شماره ۱، تفاوت های نظام آموزش سنتی و آموزش نوین

Archive of SID